در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۸۶
بحث ظن

جلسه 10

بسم الله الرّحمن الرّحيم
الحمدلله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

عرض کردیم مرحوم محقق نائینی روی مبنای طریقیت از راه مصلحت تسهیل اشکال و محذور ملاکی که ابن‌قبه مطرح کرده بود را پاسخ دادند و فرمودند: روی مبنای سببیت، قائل به مبنای شیخ انصاری **اعلی الله مقامه الشریف** می‌شویم، و مصلحت سلوکیه را می‌پذیریم.

تدقیق و بررسی مصلحت سلوکیه

اما ببینیم آیا مصلحت سلوکیه مبنای صحیحی است یا خیر؟ اجمال مصلحت سلوکیه این شد که مرحوم شیخ می‌فرماید: شارع با حجت نمودن اماره، واقع را تغییر نمی‌دهد؛ و چنین نیست که اماره در مؤدا ملاك جدیدی را ایجاد کند؛ اگر در واقع نماز ظهر واجب است و خبر واحد قائم شود بر وجوب نماز جمعه، در اینجا خبر واحد در خود نماز جمعه، ملاکی را ایجاد نمی‌کند؛ خبر واحد نه در واقع تغییر ایجاد می‌کند و نه در مؤدّا مصلحتی را احداث می‌کند؛ بلکه در سلوك مکلف بر طبق اماره، و این که مکلف تبعیت از اماره بکند و آثار واقع را بر این اماره بار کند، مصلحت وجود دارد؛ و این مصلحت، آن مصلحتی که در واقع از مکلف فوت می‌شود را جبران می‌کند.

روز گذشته همچنین عرض کردم که این مقداری که بنده مراجعه کردم، بعد از مرحوم شیخ انصاری، در میان بزرگان اصولی، تنها کسی که این مبنا را پذیرفته، مرحوم محقق نائینی است؛ لکن دیگر بزرگان همه این را مورد اشکال قرار داده‌اند.

مرحوم امام **رضوان الله علیه** در صفحه 194 از جلد اول کتاب **انوار الهدایة** چهار اشکال بر مصلحت سلوکیه دارند که به نظر ما، بعضی از این اشکالات قابل قبول بوده و در بعضی نیز ممکن است مناقشه شود؛ خود ما هم اشکال پنجمی داریم. اینها را بیان کنیم، هرچند ممکن است اشکالات دیگری هم باشد.

اشکالات مرحوم امام بر مصلحت سلوکیه

اشکال اول : فرمودند: حجیت امارات به ملاك بنای عقلاست؛ پشتوانه اعتبار و حجیت امارات، عقلا هستند؛ و عقلا می‌گویند این امارات یك طرق محضه هستند و هیچ شأنیتی ندارند، مگر این که دست مکلف را می‌گیرند و می‌خواهند او را به واقع برسانند؛ یعنی همان شأنیت طریقیت و هیچ چیز دیگری را برای اماره ندارند؛ بنابراین، عقلا نمی‌گویند که اماره یك عنوانی بنام سلوك الاماره و تبعیت از اماره هم دارد.

جواب اشکال اول: پاسخ این است که این فرمایش، بر خلاف مفروض کلام است؛ ما داریم روی مبنای سببیت بحث می‌کنیم؛ و حال آن که این فرمایش، معنایش این است که امارات فقط عنوان طریقیت محضه را دارند؛ اما روی مبنای سببیت، فرض کردیم که اماره باید سبب ایجاد یك مصلحتی به مقداری که مصلحت واقع فوت شده است نیز بشود. بنابراین، نمی‌توان به مبنای سببیت با مبنای طریقیت پاسخ داد؛ لذا، این اشکال، اشکال واردی نیست.

اشکال دوم: کسی که به خبر واحد عمل می‌کند، آیا غیر از عمل به مؤدا می‌گویید چیز دیگری بنام سلوك وجود دارد؟ وقتی می‌گویید روایت گفته که نماز جمعه واجب است، و مکلف هم بر طبق روایت عمل کرد، آیا ورای عمل به مؤدا چیزی دیگری بنام سلوك و تبعیت الامارة داریم یا اینکه واقعاً تبعیة الاماره همان عمل به مؤدا است؟.

تبعیت اماره خارجاً چیزی غیر از عمل به مؤدا نیست؛ بله، سلوك یك عنوان اعتباری است؛ ایشان تعبیر می‌کنند به اعتباری، اما ظاهراً مقصودشان از اعتباری، انتزاعی است؛ یعنی کسی که بر طبق خبر عمل کرد، اینجا یك عنوانی به نام تبعیت و بعنوان سلوك انتزاع می‌شود. این را ما قبول داریم؛ مولا وقتی به عبدش امر می‌کند که این لیوان آب را به او بدهد، وقتی عبد لیوان را می‌آورد، اینجا انتزاع می‌شود که عبد امر مولا را امتثال و تبعیت کرده، اما این سلوك و تبعیت، در عالم خارج، فعلی جدای از عمل به مؤدا نیست.

به عبارت دیگر، می‌فرمایند: سلوك باید چیزی باشد که خودش قابلیت ملاك را داشته باشد؛ اگر اینطور بود، بگویید در سلوك و تبعیت مصلحت وجود دارد. تعبیرشان این است که **و لك ان تقول هذه المفاهیم المصدریة النسبیة لا حقیقة لها الا فی عالم الاعتبار** این مفاهیم مصدریه ـ یعنی تبعیت ـ مفاهیم نسبیه هستند و حقیقتی جز در عالم اعتبار ندارند. البته عرض کردم مراد از اعتبار در اینجا باید انتزاع باشد، و الا امور اعتباری مصلحت‌بردار هستند.

پس، امر انتزاعی چیزی نیست الا همان منشأ انتزاعش؛ مثلاً وقتی از سقف، فوقیت را انتزاع می‌کنید، چیزی غیر از خود فوق نیست؛ دو وجود نیست که گفته شود هر کلام می‌تواند یك ملاکی داشته باشد؛ و این که در برخی از کلمات توهم شده است ـ (این را من اضافه می‌کنم وگرنه در کلام امام نیست) ـ که درست است کسی که عمل به مؤدا می‌کند یك فعل است، اما این یك فعل دو عنوان دارد؛ هم نماز جمعه است و هم سلوك الاماره است؛ همانطوری که در باب اجتماع امر و نهی در یك فعل خارجی دو عنوان اجتماع پیدا می‌کند.

جوابش این است که در باب اجتماع امر و نهی، آن دو عنوان هر کدام با قطع نظر از محل اجتماع، می‌توانند در عالم خارج مستقلاً موجود شوند؛ اما در اینجا، اگر کسی نماز جمعه را نخواند، نمی‌توانیم بگوییم سلوك الاماره تصویر می‌شود.

کلام مرحوم محقق اصفهانی

مرحوم محقق اصفهانی در صفحه 137 از جلد 3 **نهایة الدرایة** تعبیری دارد که چه بسا اشکال دوم مرحوم امام از آن اقتباس شده باشد. ایشان می‌فرمایند: این سلوك اگر منطبق بر مؤدا است، پس همان ملاك مؤدا را دارد و نمی‌شود ملاك دیگری داشته باشد؛ و اگر بگوییم سلوك غیر از مؤدا است، باید بگوییم ملاك دیگری در آن هست؛ اما خارجاً کسی که مؤدا را انجام می‌دهد، یك عنوانی بر منطبق بر همین مؤدا است و چیز دیگری بعنوان سلوك نیست. و به نظر، این اشکال دوم، اشکال متین و محکم است.

اشکال سوم: می‌فرماید: بحث امارات را که فقط در احکام الزامیه نداریم و بلکه در احکام عادی، امور مباح و بالاتر در امور

غیرشرعی مثل مسائل تربیتی و اخلاقی نیز امارات قائم می‌شود. اگر اماره‌ای قائم شد بر اینکه فلان چیز مباح است، یا در امور غیرشرعی، اماره‌ای قائم شد بر اینکه زید مرده است، آیا باید بگوییم در سلوك این اماره مصلحت است؟ چه مصلحتی در اینجا وجود دارد؟ اگر بخواهید بگویید نه، ما فقط در دایره شرعیات قائل به مصلحت می‌شویم، می‌فرمایند این بلا وجه است.

اشکال استاد محترم: به این اشکال سوم مرحوم امام، ما همان اشکالی که خودمان داریم و در کلمات نیست را اضافه می‌کنیم؛ و آن این که چرا در مواردی که اماره مطابق با واقع در می‌آید، مصلحت سلوکیه را قائل نمی‌شویم؟. اگر سلوك يك عنوان دارای مصلحت است، باید بگوییم در تمام اخبار احاد، چه اخبار موافق با واقع و چه اخبار مخالف، باید بگوییم غیر از مؤدا يك عنوان دیگری بعنوان سلوك وجود دارد؛ چرا فقط در اخبار مخالف با واقع این را می‌گوئید که در سلوک اماره مصلحت وجود دارد؛ و این مصلحت در سلوك، آن مصلحت فوت شده را جبران می‌کند؟. اگر واقعاً در سلوك مصلحت است، باید در جایی که اماره موافق با واقع است نیز همین حرف را بزنید. نمی‌شود یکجا بگوئیم سلوك هست و یکجا بگوئیم سلوك نیست. این هم اشکالی است که می‌توانید به اشکال سوم اضافه کنید.

اشکال چهارم: مرحوم شیخ و مرحوم نائینی روی مصلحت سلوکیه قائل به تبعض در اجزاء شدند؛ به این توضیح که اگر یک ربع از اول وقت گذشت و نماز جمعه را خواندیم، سپس کشف خلاف شد که نماز ظهر واجب است، اینجا می‌گویند باید نماز ظهر را بخوانیم و آن مصلحت فضیلت اول وقت که از دست رفته، این سلوك به همان اندازه آن را جبران می‌کند. اگر بعد از وقت، کشف خلاف شد، سلوك، مصلحت نماز ظهر را که از دست ما رفت را جبران می‌کند.

لذا قائل به تبعض در اجزاء می‌شوند. اما مرحوم امام فرموده است: اگر شما قائل به مصلحت سلوکیه می‌شوید، لازمه وجود مصلحت در سلوك این است که قائل به اجزاء به صورت مطلق شوید؛ برای اینکه می‌گویید در سلوك مصلحت است، اما نمی‌آئید اثبات کنید که این مصلحت مقید به عدم انکشاف خلاف در وقت است. بلکه می‌گویید واقعی از دست می‌رود و سلوک بر طبق اماره می‌آید جای او را می‌گیرد.

پس، باید بگوییم در خود سلوك اماره تمام آن مصلحت وجود دارد؛ اگر تمامش وجود دارد، باید قائل به اجزاء شویم مطلقا؛ نمی‌توانیم بگوییم این مصلحت مقید به عدم انکشاف خلاف در وقت است.

مرحوم نائینی این اشکال را در کتاب **فوائد الاصول** مطرح کردند؛ اما چون وقت گذشته، آن را مطالعه کنید ان شاء الله فردا مطلب را دنبال می‌کنیم؛ و آقایان هم حتماً فکر کنند؛ بنا بود که روی کلمات مرحوم شیخ هم دقت کنند.